

## خطاهای بارز واژگانی-معنایی در ترجمه انگلیسی آثار فارسی در حوزه ادبیات معاصر پایداری<sup>۱</sup>

محمود افروز<sup>۲</sup>

### چکیده

ادبیات پایداری از گونه‌های بسیار مهم ادبیات محسوب می‌شود. شناساندن این نوع از ادبیات به مخاطبان داخلی یک کشور محدود نشده و درنوردیدن مرزهای خارجی برای اشاعه فرهنگ مقاومت اهمیت فراوانی دارد. ترجمه کتاب‌هایی که به معرفی آثار پایداری پرداخته‌اند گامی در این مسیر است. پایش مستمر بروندهای این حوزه و تحلیل خطاها می‌تواند منجر به ارتقاء کیفی ترجمه این آثار شود. پژوهش حاضر با تکیه بر الگوی ترکیبی تحلیل خطای کشاورز، ویلر و دیگران (۲۰۰۶)، و لاکسانا و موریستاپوتری (۲۰۱۸) به بررسی خطاهای بارز واژگانی-معنایی در ترجمه انگلیسی این نوع متون پرداخته است. طبق یافته‌ها، هیچ‌یک از انواع خطاهای حذف در سطح جمله یا حتی واژه مشاهده نشد. نتایج تحقیق حاکی از آن بود که ۵۷٫۲۰٪ از کل خطاها به سبب انتخاب هماینها و معادل‌های نادرست برای واژه‌های عام و فرهنگ‌محور رخ داده است. همچنین، در مجموع، یک سوم (۳۳٫۳۳٪) از کل خطاها مربوط به اصطلاحات و کاربرد صورت نادرستی از واژه‌هاست. نهایتاً، از نتایج پژوهش چنین مشخص گردید که کمترین درصد خطاها (۴٫۸۰٪) مربوط به الحاق نابجای واژه‌های اضافی و نامرتب و انتخاب برابرنهادهایی با معنای ابهام‌زا بوده است. نتایج مطالعه حاضر برای آگاه‌سازی مترجمان نوپا از ظرایف ترجمه آثار در حوزه ادبیات پایداری و نیز توانمندسازی دانشجویان مطالعات ترجمه می‌تواند مفید باشد.

**واژه‌های راهنما:** ادبیات پایداری، خطاهای ترجمه‌ای، خطاهای واژگانی-معنایی، خطاهای بارز

۱. این مقاله در تاریخ ۱۴۰۲/۱۰/۰۶ دریافت شد و در تاریخ ۱۴۰۲/۱۲/۲۱ به تصویب رسید.

۲. دانشیار، گروه زبان انگلیسی، دانشکده زبان‌های خارجی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران؛ پست الکترونیک:

## ۱. مقدمه

در ادبیات معاصر سه دهه اخیر، آثار ارزشمندی در حوزه ادبیات پایداری در قالب «خاطره‌نگاری، حبس‌نگاری، اسارت‌نویسی» و غیره عرضه شده است (عرفانی بیضایی و اکبری، ۱۳۹۵: ۱۵۰). این شاخه ادبیات حماسی که آن را نوعی از ادبیات «سیاسی اجتماعی» نیز دانسته‌اند (آقانوری و غلامحسین‌زاده، ۱۳۹۵: ۱)، امروزه بیش از پیش در کانون توجه پژوهشگران قرار گرفته است. نقش ناشران برجسته در این زمینه انکارناپذیر است. برخی ناشران بلندهمت با شناخت دقیق ظرفیت‌های مغفول مانده، حتی به معرفی این آثار فرهنگی به مخاطبان فراسرزمینی پرداخته و دامنه ادبیات پایداری را گسترش داده‌اند. اما این مسیر، قطعاً هموار و خالی از چالش نیست. مقاله حاضر به بررسی ابعاد و زوایای مختلف پاره‌ای از مسائل چالش‌برانگیز در این حوزه پرداخته است.

## ۱-۱. بیان مسئله، ضرورت و اهداف پژوهش

ادب جنگ و ادبیات پایداری «وجهه و آبرویی در خور» به ادبیات هر ملت می‌بخشد (فیروزی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۳۴) و «از گونه‌های سرآمد» و «مقدس در تمامی کشورهاست» (روانستان و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۹). یکی از رسالت‌های ناشران مجلات و کتاب‌هایی با مضمون ادبیات دفاع مقدس، آگاهی‌رسانی پیرامون مسئله نبرد با ظالم به نسل جوان و ترویج ارزش‌های دفاع مقدس در جامعه است. اما آیا هدف را باید صرفاً به مرزهای داخلی محدود دانست؟

پاسخ نویسندگان متعهد، ناشران آگاه و مسئولان فرهنگی طبعاً منفی است. اما آیا راهکاری جز توسل به صنعت ترجمه وجود خواهد داشت؟ به این دلیل است که اخیراً نقش مترجمان و ترجمه آثار ادبیات پایداری بیش از پیش پررنگ شده است. نخستین گام مؤثر در معرفی آثار ادبیات پایداری در نمایشگاه‌های بین‌المللی و تارنماهای ناشران، ترجمه بروشور و کتاب‌هایی است که غالباً به معرفی نویسنده و موضوع کلی داستان پرداخته و حاوی خلاصه اثر و ارائه چند بند از داستان است.

مسئله مهم در این فرایندها، ارائه ترجمه‌ای دقیق است که معنای نادرستی را به خواننده متن مقصد منتقل نکند. البته، توجه به این نکته ضروری است که درک معنای متن، به فرهنگ حاکم بر مخاطبان در زمان خوانش متن وابستگی تام دارد. در حقیقت، در تمامی مراحل «درک» و پردازش، «انتقال» و یافتن برابرنهاد و بازآفرینی متن ترجمه تفاوت میان فرهنگ و زبان مقصد و مبدأ چالش‌هایی

برای مترجم ایجاد می‌کند، اما هرگونه اختلال در رساندن معنی متن مبدأ (کتاب معرفی آثار) منجر به بی‌رغبتی خواننده مقصد نسبت به تهیه اصل کتاب خواهد شد. به عبارت دیگر، تمام هزینه‌های مادی و معنوی در تهیه آثار فاخر و عرضه آنها، آن‌طور که شایسته است به هدف اصابت نکرده و به نوعی مخاطب بین‌الملل خود را از دست می‌دهد.

بنابراین، ارزیابی کیفی کتاب‌های معرفی مجموعه آثار ادبیات پایداری، به ویژه در سطح واژگانی-معنایی و رساندن پیام اصلی، اهمیت بسیار زیادی داشته و می‌تواند با مشخص کردن خطاهای بارز و مکرر زمینه را برای اصلاح ویراست‌های بعدی این آثار فراهم کرده و نیز برای مترجمان آتی جنبه آموزشی داشته باشد.

هرچند فرایند معادل‌گزینی از نوع راهبردهای منتخب مترجمان متأثر است، اما آنچه اهمیت و ضرورت ملموسی دارد، ارزیابی محصول نهایی (final product) ترجمه است. ترجمه مطلوب طبعاً نمی‌تواند مملو از خطاهای زبانی باشد. هاوس (House, 2015: 33) خطاهای آشکار یا بارز (overtly erroneous errors) را خطاهایی می‌داند که از ناهمخوانی در سطح معنایی متن مبدأ و مقصد نشأت گرفته باشد.

به دیگر بیان، لزوم اولویت‌بخشی به پژوهش‌هایی پیرامون ارزیابی خطاهای واژگانی-معنایی آثار منتشره در حوزه ادبیات پایداری را می‌توان در ضرورت بسترسازی برای گسترش مخاطبان ادبیات پایداری در سطح بین‌الملل و تسهیل اشاعه فرهنگ پایداری ریشه‌یابی کرد.

بی‌اعتنایی به بروز خطاهای آشکار در آثاری که به معرفی ادبیات پایداری می‌پردازد عواقب فرهنگی جبران‌ناپذیری در پی خواهد داشت. خطاهای واژگانی-معنایی مستقیماً باعث درک نادرست مخاطب مقصد از محتوای متن مبدأ می‌شود. این امر به معنی بروز تعارض میان نیت نویسنده، متن مبدأ و ناشر، با درک خواننده می‌شود. از سوی دیگر، چنین خطاهایی می‌تواند حتی منجر به ریزش مخاطبان و کم‌اعتبار شدن آثار منتشره شود. تحقیق حاضر با هدف ارزیابی خطاهای واژگانی-معنایی، گامی در راستای برجسته‌سازی اهمیت بررسی ترجمه‌های منتشره در حوزه آثار ادبیات پایداری است.

## ۱-۲. چارچوب نظری و پرسش‌های پژوهش

تحلیل خطا (Error Analysis) بخش مهمی از مطالعات زبانشناسی کاربردی را تشکیل می‌دهد

(Corder 1967). کشاورز (۱۹۹۹) در تعریف خود از تحلیل خطاهای زبانی بر انجام فرایند گردآوری نمونه‌ها، تشخیص خطاها، گروه‌بندی و ارزیابی تأکید کرده است.

چارچوب پیشنهادی کودر (۱۹۶۷، نقل در پرویزی و دیگران، ۲۰۱۶: ۴) در تحلیل خطاها شامل موارد زیر است: جمع‌آوری داده‌ها و تعیین شاخصه‌های ویژه، توصیف و نهایتاً تشریح هدف و نتایج حاصله از ارزیابی خطاها. در همین راستا، به عقیده گس و سلینگر (Gass and Selinker 1994) انجام تحقیقات تحلیل خطاهای زبانی مستلزم برداشتن گام‌های زیر است: بررسی پیکره، مشخص نمودن خطاها و دسته‌بندی نظام‌مند آنها، تعیین بسامد و تحلیل خطاها.

چارچوب نظری پژوهش حاضر یک تلفیق (hybrid) از مدل‌های مذکور بوده و تمام مراحل یادشده در انجام تحقیق لحاظ گردیده و در بخش (۱-۶-۳) به جزئیات الگوی تحلیل داده‌های مستخرج پرداخته شده است.

اما چرا در مقاله حاضر صرفاً بر خطاهای واژگانی-معنایی تأکید شده است؟ قاسمی و هاشمیان (۲۰۱۶) به تحلیل خطاهای ترجمه از فارسی به انگلیسی و برعکس پرداخته و به این نتیجه رسیده‌اند که خطاهای واژگانی-معنایی (lexico-semantic errors) بالاترین فراوانی را در میان انواع خطاهای ارتکابی داشته است. لاکسانا و موریستا پوتری (Laksana & Mursita Putri, 2018) نیز به نتایج کاملاً مشابهی رسیده‌اند. بنابراین، با توجه به پیشینه‌ای که بر فراوانی خطاهای واژگانی-معنایی در ترجمه‌های انسانی و ماشینی تأکید دارد، تحقیق حاضر بر تحلیل این نوع از خطاها تمرکز یافته است. در مجموع، محقق به دنبال یافتن پاسخ برای سؤالات زیر است:

۱) انواع خطاهای واژگانی-معنایی بارز در ترجمه آثار ادبیات پایداری کدامند؟

۲) توزیع کمی خطاهای واژگانی-معنایی بارز چگونه است؟

۳) راه‌کارهای پیشگیری از وقوع خطاهای بارز واژگانی-معنایی در ترجمه آثار ادبیات پایداری چیست؟

## ۲. پیشینه پژوهش

هرچند مطالعات فراوانی پیرامون نقد کیفی ترجمه آثار ادبی، فنی، هنری و غیره انجام شده است، در خصوص تحلیل خطاهای واژگانی-معنایی در ترجمه آثار ادبیات پایداری، آن‌طور که شایسته این حوزه است، تاکنون تحقیق مبسوطی انجام نگرفته است.

قاضی‌زاده، شریفی‌فر و رستمی‌نسب (۱۳۹۶) شیوه بازتاب دفاع مقدس در اخبار روزنامه‌های اطلاعات و تهران تایمز را بر اساس مدل گیدن توری مورد بررسی قرار داده‌اند. نتایج تحقیق ایشان به درک تأثیر هنجارها و ایدئولوژی بر فرایند تولید ترجمه کمک شایانی می‌کند، با این حال تحلیل کیفیت ترجمه و چگونگی بازتاب ادب مقاومت در آینه متون مطبوعاتی مطرح نبوده و تحقیق مذکور بر این امر متمرکز نبوده است.

افروز (۱۴۰۱) بر مبنای مدل بین (۲۰۰۹) به تحلیل کیفی ترجمه عناوین کتاب‌های مقاومت از انگلیسی به فارسی پرداخته است. به گفته محقق، از آنجا که در دسته‌بندی بین (۲۰۰۹) تمام فنون پوشش داده نشده بود، برای تحلیل داده‌های مستخرج، الحاق راهبردهای تکمیلی ضروری بوده است. در مجموع، پژوهشگر به راهبردهای زیر اشاره کرده و از این رهگذر الگوی جامعی برای ترجمه عناوین کتاب‌های داستانی ارائه داده است: عمومی‌سازی یا کاربرد واژه عام (Generalization)، ویژه‌سازی (Particularization)، گرده‌برداری (Calque)، حذف (Omission)، تغییر جزئی (Partial shift)، تغییر تفسیری (Interpretive shift)، و تلفیق (Couplet). البته قبل از وی، محمدیان و ششتمدی (۱۳۹۶) به تحلیل عناوین کتاب‌های نگاشته شده در حوزه ادب دفاع مقدس پرداخته‌اند، ولی تحقیق ایشان حول محور ترجمه نبوده و یافته‌های پژوهش حاکی از این بوده است که نویسندگان ادبیات پایداری دامنه کلمه‌های محدود و ساختارهای تکراری به کار برده‌اند و همین امر نقضی در حوزه مذکور محسوب می‌شود.

از یافته‌های جدیدترین تحقیق انجام شده روی ششصد مقاله و اثر پژوهشی در حوزه ادبیات پایداری ایران (کافی، ۱۴۰۰) چنین برداشت می‌شود که مطالعه پیرامون ترجمه آثاری با محوریت مقاومت و تحلیل کیفی آنها چنان که باید و شاید مورد توجه محققان نبوده و به طور کلی، تاکنون مغفول نهاده شده است. بنابراین، همان‌طور که از مجموع مقالات مرور شده نیز مشخص گردید، تاکنون هیچ محقق‌ی به تحلیل خطاهای واژگانی-معنایی در حوزه ترجمه ادبیات پایداری نپرداخته و لذا پر کردن این خلاء پژوهشی و انجام مطالعه در این حوزه بکر می‌تواند برای پژوهش‌های گسترده‌تر و عمیق‌تر راه گشا باشد.

### ۳. روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع توصیفی (descriptive) و پیکره‌محور (corpus-based) است.

### ۳-۱. پیکره

پیکره تحقیق دربرگیرنده سه کتاب است که به معرفی آثاری با مضمون ادبیات پایداری پرداخته است. آثار مذکور عموماً توسط سوره مهر مابین سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۹) منتشر گردیده است. معرفی آثار در سه جلد جداگانه (مجموعاً ۳۴۵ صفحه) برای گروه‌های سنی بزرگسال، نوجوان و کودک طراحی شده است. در هر بخش، پس از معرفی دقیق نویسنده و آثار وی، خلاصه‌ای از اثر، اطلاعات انتشار و نهایتاً ترجمه انگلیسی پاراگراف‌هایی از متن داستان ارائه شده است. این سه کتاب برای عرضه به نمایشگاه بین‌المللی فرانکفورت به زبان انگلیسی برگردان شده است.

### ۳-۲. چارچوب تحلیل داده‌ها

چارچوب تحلیل داده‌های مستخرج از پیکره با تمرکز بر خطاهای واژگانی-معنایی، شامل یک الگوی هیبریدی است که دربرگیرنده ترکیب مدل‌های تحلیل خطای کشاورز (Keshavarz, 1999)، ویلر و دیگران (Vilar et al., 2006)، و لاکسانا و موربستاپوتری (Laksana & Mursita Putri, 2018) است: (الف) الحاق نابجای واژه‌های اضافی و نامرتب؛ (ب) انتخاب برابرنهادهای نادرست برای واژه‌ها (اعم از عام و فرهنگ‌محور)؛ (ج) انتخاب غلط هماینها؛ (د) انتخاب نادرست اصطلاحات؛ (ه) انتخاب برابرنهادهایی با معنای کاملاً دوپهلو و ابهام‌زا؛ (و) کاربرد صورت نادرستی از واژه‌ها؛ (ز) حذف نابجای واژه‌های اصلی یا محتوایی (Content Words)؛ (ح) حذف نابجای واژه‌های کمکی (مانند حروف اضافه، ضمائر و افعال کمکی و ...)؛ و (ت) حذف کامل در سطح جمله.

### ۳-۳. مراحل پژوهش

در پژوهش حاضر، مراحل زیر به ترتیب اجرا شده است: (الف) مطالعه پیکره و استخراج داده‌ها، (ب) مشخص کردن خطاها، (ج) دسته‌بندی خطاها، (د) تعیین فراوانی خطاها، (ه) تحلیل عوامل بروز خطاها، (و) پیشنهاد راه‌های برون‌رفت از ارتکاب مکرر خطاها.

### ۴. مبحث اصلی و یافته‌ها

#### ۴-۱. مبحث کیفی: بررسی نمونه‌ها و تحلیل خطاها

در گام نخست، ذکر این نکته ضروری است که میان «خطا» و «اشتباه» باید تمایز قائل شد. خطا به دانش و توانش زبانی فرد بازمی‌گردد ولی، اشتباه غالباً ریشه در بی‌توجهی یا کم‌توجهی و خستگی دارد. در دو نمونه زیر، به ترتیب، جافتادن یک حرف الفبا در واژه (let) و الحاق دو حرف اضافه در واژه (ninth) جزو اشتباهات تایپی محسوب می‌شود:

They should not <b>le</b> the others down. (p. 23)
--

The first winner of the <b>ninthth</b> press festival. (p. 89)
--

در مجموع، تحلیل نظام‌مند مثال‌های عملی ترجمه متون به تقویت و توسعه «چارچوب‌های نظری» مطالعات ترجمه کمک شایانی می‌کند (افروز و ملانظر، ۲۰۱۶: ۷۵) و برای مترجمان آتی راهگشا خواهد بود. در ادامه، پس از بررسی برخی مثال‌های حاکی از اشتباه، خطاها دسته‌بندی و مثال‌هایی برای هر گروه ارائه شده است.

#### ۴-۱-۱. کاربرد صورت نادرستی از واژه‌ها

در مثال زیر، صورت نادرستی از واژه **tire** به کار رفته است: بجای تایرها **tires** از واژه **tiring** که کاربرد آن در این بافت خطای بارز محسوب می‌شود، استفاده شده است:

When Mehrali gets down the vehicle, it's <b>tiring</b> goes flat. (p. 197)
--

وقتی مهرعلی از خودرو پایین می‌آید، تایرهای آن پنجر می‌شود. (ص ۱۹۷)
--

گاهی، کاربرد صورت نادرستی از فعل کمکی باعث بروز خطای معنایی می‌شود. در مثال زیر، عبارت «اسیر شدن» به گونه‌ای ترجمه شده که معنی «اسیر گرفتن» از آن برداشت می‌شود. عبارت **to take prisoner** به معنی زندانی کردن و اسیر گرفتن است، در حالی که **to be taken prisoner** به معنی زندانی یا اسیر شدن است.

But after a while, he <b>has taken</b> as a prisoner of war. (p. 7)
---

اما پس از مدتی اسیر می‌شود. (ص ۷)
-----------------------------------

در برخی موارد، صورت نادرست واژه به کاربرد غلط نوع واژه بازمی‌گردد. مثلاً در نمونه زیر، بجای صفت (**virtuous**) صرفاً از اسم (**virtue**) استفاده شده است. واژه **virtue** در انگلیسی به معنی

«فضیلت»، «تقوا» و «پرهیزگاری» است. در واقع، مترجم می‌توانست به شیوه زیر ترجمه کند: He was a virtuous man

He was a virtue. (p. 11)	مرد باتقوایی بود. (ص ۱۱)
--------------------------	--------------------------

یکی از خطاهای جدی در کاربرد صورت غلط از واژگان، استفاده نکردن از حروف بزرگ (capital letters) برای واژگان مذهبی خاص، به ویژه آن دسته از کلمات است که کاربرد یا عدم کاربرد حرف بزرگ، معنی آن واژه‌ها را دگرگون کند. در مثال زیر، کلمه خدا god ترجمه شده که چون با حرف کوچک نوشته شده به معنی «اله» یا «بت» است—یعنی درست معنی معکوس خداوند (God).

... god, Mohammad and his descendants. (p. 247)	... خدا و محمد و آل محمد. (ص ۲۴۷)
---	-----------------------------------

با توجه به گسترش کتاب‌های صوتی و اینکه حروف کوچک و بزرگ قابلیت بیان در این نوع خاص را ندارد، توصیه اکید می‌شود که در ترجمه متون مذهبی یا عبارات مذهبی که «الله» مقصود نظر نویسندگان بوده است، کلاً بجای واژه God از Allah استفاده شود—این واژه امروزه در زبان انگلیسی نیز کاملاً جا افتاده و در تمام فرهنگ‌های لغت تک‌زبان و دوزبان نیز معنی دقیق آن ذکر شده است.

#### ۴-۱-۲. انتخاب برابرنهادهایی با معنای کاملاً دوپهلوی و ابهام‌زا

مثال زیر نمونه‌ای بارز از گزینش معادل‌هایی با معنای مبهم است که درک نادرست خواننده متن مقصد را در پی خواهد داشت:

They are shockingly glad because they have taken back the bloody city. (p. 139)	از اینکه توانستند خونین شهر را بازپس بگیرند، بسیار شادمان بودند. (ص ۱۳۹)
---	--

برای عبارت «خونین شهر» که در ادبیات پایداری به «خرمشهر» اطلاق می‌شود، معادل نادرست «the bloody city» به کار رفته است. هرچند واژه «bloody» می‌تواند در مواردی به خون و خونین اشاره داشته باشد، ولی در زبان انگلیسی، این کلمه در ترکیبات اینچینی می‌تواند کلمه توهین آمیز و ناسزا محسوب شود و علاوه بر اینکه بار معنایی منفی دارد، توسط فرهنگ آکسفورد و دیگر فرهنگ‌ها عموماً در دسته تابوها قرار گرفته است. این صفت را، به ویژه در فیلم‌ها و سریال‌ها، غالباً با برابرنهاده «لعنتی» ترجمه می‌کنند. به بیان ساده، ترجمه تحت الفظی «خونین شهر» به «the bloody city» نه تنها کمکی به



درک صحیح خواننده انگلیسی زبان نکرده، بلکه او را کاملاً سردرگم کرده و ذهن را از معنی اصلی منحرف می‌سازد. واژه انگلیسی «bloodied» به معنی «خونین» بوده و از آنجا که بار معنایی منفی ندارد، قابل جایگزینی با «bloody» است. یک راهکار منطقی دیگر برای حل این چالش، جایگزینی نام خاص در متن اصلی و ارائه توضیحات شفاف‌ساز در پانویس است.

انتخاب نادرست واژه‌ای دیگر در مثال فوق باعث بروز خطا شده است—این مورد در بخش ۲-

۳-۱، دسته خطاهای همایندی (collocational errors)، بررسی شده است.

#### ۳-۱-۴. انتخاب غلط هماینها

مسئله هماینها و برگزیدن واژه‌هایی که هم‌نشین مناسبی برای یکدیگر نیستند، منجر به بروز خطاهای بارز می‌گردد. در مثال زیر، صفت «small» (کوچک، کوتاه) برای نام «body» (بدن، پیکر) به کار رفته که از نظر هم‌نشینی نامتناسبند.

... due to his young age and his <b>small</b> body. (p. 7)	به خاطر سن کم و جثه کوچکش ... (ص ۷)
--	-------------------------------------

عبارت «short stature» به لحاظ همایندی کاملاً صحیح و قابل جایگزینی با «small body» است. همچنین شیوه نگارش می‌توانست بدین ترتیب تغییر کند:

«because he was young and fairly small in stature»

در مثال زیر نیز عبارت «war zone» از نظر همایندی دقیق‌تر از «war region» است:

... the war region. (p. 57)	منطقه جنگی (ص ۵۷)
-----------------------------	-------------------

در زبان انگلیسی، برای مفهوم «فرار ناشی از ترس» دو برابر نهاد زیر را می‌توان یافت: *escape* و *from fear* و *flee in fear*. به لحاظ هم‌نشینی، ترتیب عناصر واژگانی و گزینش حرف اضافه مناسب، اگر معادل‌های بالا با مثال زیر مقایسه گردد، انتخاب نادرست مترجم آشکار می‌شود:

They flee from fear. (p. 271)	از ترس پا به فرار گذاشتند. (ص ۲۷۱)
-------------------------------	------------------------------------

در مثال زیر، واژه «shockingly» از یک سو بار معنایی منفی دارد و به هیچ وجه برای این بافت مناسب نیست، و از سوی دیگر، این کلمه طبق فرهنگ همایندهای آکسفورد، جزو صفت‌های هم‌نشین

برای «glad» نیست.

They are <b>shockingly glad</b> . (p. 139)	بسیار شادمان بودند. (ص ۱۳۹)
--	-----------------------------

صفت‌های همنشین با واژه «glad» عبارتند از:

awfully, extremely, heartily, really, terribly, very

#### ۴-۱-۴. انتخاب نادرست اصطلاحات

در تعریف اصطلاح (idiom) بر تغییرناپذیری و عدم جایگزینی عناصر سازنده اصطلاح تأکید شده است. حتی جایگزینی واژه‌های هم‌معنی و مترادف نیز مجاز شمرده نمی‌شود. این جایگزینی در کوچک‌ترین سطوح واژگانی مثلاً حروف اضافه یا حروف تعریف هم ممنوع است. در مثال زیر، نمونه‌ای از این خطا ارائه شده است:

The armed to teeth enemy ... (p. 15, p. 23)	ارتش تا بن دندان مسلح دشمن ... (ص ۱۵، ص ۲۳)
---	---

حذف حرف تعریف «the» از اصطلاح بالا، اصطلاح را ناقص و باعث بروز خطا شده است. اصطلاح صحیح در زبان انگلیسی چنین است: «the armed to the teeth»

در مثال زیر نیز شکل نادرستی از اصطلاح به کار رفته است:

Sadegh went along with him and was martyred in a bombardment of the Iraqi air strike <b>against the eyes of Nooraddin</b> . (p. 99)	صادق همراه او رفت و در حمله هوایی عراق در برابر چشمان نورالدین شهید شد. (ص ۹۹)
---	--

در انگلیسی، اصطلاح «before/in front of sb's (very) eyes» به معنی «در برابر چشمان کسی» معنی می‌دهد. بنابراین، متن فوق بدین شکل قابل اصلاح است: «before Nooraddin's very eyes». «in front of Nooraddin's eyes».

نمونه‌ای دیگر از جایگزینی غیرمجاز عناصر واژگانی اصطلاح انگلیسی در مثال زیر قابل مشاهده است:

Such a duality is <b>the meat of the story</b> . (p. ...)	همین دوگانگی، اصل قضیه است. (ص ...)
---	-------------------------------------

169)	(۱۶۹)
------	-------

در حالی که اصطلاح دقیق ضبط شده در فرهنگ‌های معتبر چنین است «the meat of the matter»، مترجم واژه «story» (داستان، ماجرا) را با «matter» (موضوع، قضیه، مسئله) جایگزین کرده و باعث بروز خطا شده است.

#### ۴-۱-۵. انتخاب برابرنهادهای نادرست برای واژه‌ها (اعم از عام و فرهنگ‌محور)

از مرسوم‌ترین خطاهای معنایی که شیوع ارتکاب آن به مراتب فراوان می‌باشد، خطاهایی است که در انتخاب نادرست برابرنهادهای برای واژگان متن مبدأ ریشه دارد. مثال زیر نمونه‌ای از این دست خطاهاست که به جای واژه «می‌خرد» (buys)، از واژه «sells» (می‌فروشد) استفاده شده است:

He sells dry and waste bread. (p. 193)	نان خشک می‌خرد. (ص ۱۹۳)
--	-------------------------

در مثال زیر نیز مترجم برای توصیف نام «friend» از واژه «closet» به معنی «پستو» استفاده کرده است:

Morteza is my closet friend. (p. 24)	مرتضی صمیمی‌ترین دوستم است. (ص ۲۴)
--------------------------------------	------------------------------------

در نمونه زیر، قرار نگرفتن واژه «just» در موضع صحیح خود در جمله، باعث بروز خطای آشکار شده است:

He is a just kid! Where do you dispatch him without his parents' permission? (p. 84)	او که بچه است! بدون اجازه والدینش کجا اعزامش می‌کنید؟ (ص ۸۴)
--	--

در جمله «He is a just kid!» مترجم به غلط واژه «just» را در جایگاه صفت برای «kid» به کار برده است. کلمه «just» در جایگاه صفت به معنی «درست، متناسب، مناسب، منصفانه و ...» است و البته برای انسان به کار نمی‌رود بلکه برای توصیف واژه‌های دیگری مانند «جامعه، تصمیم، قانون و ...» به کار می‌رود. اسم جمع «the just» برای اشاره به انسان‌های درستکار به کار می‌رود. زمانی که «just» در جایگاه قید قرار بگیرد معنی «only» یا «تنها، فقط» می‌دهد. بنابراین، جمله انگلیسی به این شکل قابل اصلاح است: «He is just a kid!».

تفاوت‌های فرهنگی بین زبان مبدأ و مقصد می‌تواند منجر به «شکاف واژگانی» یا خلاء معنایی

(افروز، ۲۰۲۴ الف: ۲۰۴)، «بروز چالش‌های فراوان برای مترجمان» (افروز، ۲۰۲۴ ب: ۴) و نیز پیدایش خطاهای ترجمه‌ای شود. مسئله بروز خطا در واژه‌های فرهنگ‌محور بسیار بغرنج‌تر از نمونه‌هایی است که تاکنون بررسی شد. البته گزینش معادل نادرست گاهی منحصر به انتخاب برابرنهادهایی است که صرفاً به نویسه‌گردانی محدود شده و عملاً نه تنها هیچ اطلاعاتی به خواننده نمی‌دهند، بلکه او را کاملاً مبهوت و سردرگم‌ها می‌کنند. در نمونه زیر، مترجم باید از خود این سؤال را می‌پرسید که آیا خواننده فرهنگ بیگانه در مواجهه با واژه «Espand» به همان اطلاعاتی دست می‌یابد که خواننده متن اصلی از واژه فرهنگ‌محور «اسفند» درک می‌کند؟

She became nervous and went standing in the yard with Quran and Espand. (p. 48)	عصبی شد و رفت با قرآن و اسفند در حیاط ایستاد. (ص ۴۸)
---	--

اشیاء و آداب و رسوم، دو عنصر فرهنگی ملموس در نمونه فوق است که عملکرد ناقص مترجم در فراهم نکردن پانویس و توضیحات آگاهی‌دهنده، باعث بروز خطای راهبردی شده است. در دو نمونه زیر نیز مترجم واژه‌های فرهنگ‌محور «بسیج» و «بسیجی» را نویسه‌گردانی کرده است:

Are you Basiji? (p. 48)	بسیجی هستی؟ (ص ۴۸)
He was dressed in a Basij (secret police) outfit. (p. 156)	لباس بسیج به تن داشت. (ص ۱۵۶)

البته، در نمونه دوم مترجم یک گام فراتر برداشته و در کمانک معادلی برای بسیج گذاشته است (پلیس مخفی!) که البته دقیق نبوده و نیاز به توضیح مبسوط در پانویس دارد.

#### ۴-۱-۶. الحاق نابجای واژه‌های اضافی و نامرتب

در مثال زیر، کلمه «than» نابجا الحاق شده است:

... was under the influence of than Khan (p. 237)	... تحت تأثیر خان بود. (ص ۲۳۷)
---	--------------------------------

از این دست الحاقیات نابجا در پیکره مورد تحقیق مثال‌های دیگری یافت نشد. جالب آنکه هیچ نمونه‌ای از خطاهای زیر نیز به طور کلی یافت نشد: حذف نابجای واژه‌های اصلی یا محتوایی (Content

Words)؛ حذف نابجای واژه‌های کمکی (مانند حروف اضافه، ضمایر و افعال کمکی و ...)؛ و حذف کامل در سطح جمله. البته، چند خطای غیر حرفه‌ای مانند *ایتالیک* نکردن نام کتاب‌ها (مانند *the Quran* (p. 226) و یا گزینش دو معادل مترادف پی در پی که با خط مورب از هم مجزا شده‌اند، در بیکره مشاهده شد:

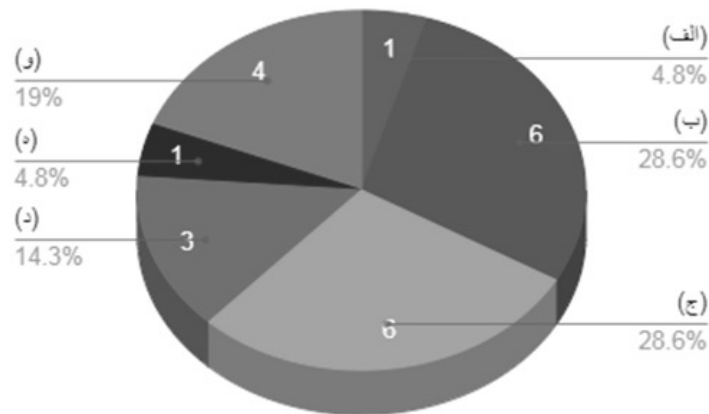
I start rewinding/spinning the string ... (p. 174)

کاربرد چنین مواردی، هرچند خطای معنایی بارز محسوب نمی‌شود، ولی حاکی از شک مترجم در انتخاب برابرنهاد دقیق‌تر بوده و جلوگیری از بروز آنها باعث ارتقاء کیفیت اثر خواهد شد. یکی دیگر از خطاهای غیر حرفه‌ای مترجمان، ارائه ندادن توضیحات کافی برای نام شهرهایی است که نقش پررنگی در جنگ داشته و به اصطلاح جنگ‌زده محسوب می‌شدند. خواننده متن اصلی با این شهرها آشناست؛ اما خواننده متن مقصد چه؟ دو مثال زیر را در نظر بگیرید:

They ultimately reach Ahvaz. (p. 95)	بالاخره به اهواز رسیدند (ص ۹۵)
... Khorramshahr and Abadan (p. 67)	... خرمشهر و آبادان (ص ۶۷).

آیا خواننده متن مقصد مطالب کافی درباره اهواز، آبادان، خرمشهر و ... می‌داند؟ آیا وظیفه مترجم حرفه‌ای متون ادبیات پایداری رها کردن خواننده و صرفاً ارائه برابرنهادهایی است که چیزی جز نویسه-گردانی نیست؟ قطعاً کاربرد پانویس و ارائه توضیحات شفاف‌کننده در این خصوص بسیار راهگشا خواهد بود.

در جدول ۱، توزیع کمی خطاهای واژگانی-معنایی بارز در بیکره پژوهش ارائه شده است. خطاها با حروف الفبا در نمودار مشخص شده‌اند: (الف) الحاق نابجای واژه‌های اضافی و نامرتب؛ (ب) انتخاب برابرنهادهای نادرست برای واژه‌ها (اعم از عام و فرهنگ‌محور)؛ (ج) انتخاب غلط هماینها؛ (د) انتخاب نادرست اصطلاحات؛ (ه) انتخاب برابرنهادهایی با معنای کاملاً دوپهلوی و ابهام‌زا؛ (و) کاربرد صورت نادرستی از واژه‌ها.



شکل ۱. توزیع کمی خطاهای واژگانی-معنایی

## ۵. نتیجه‌گیری

درخصوص پرسش اول پژوهش درباره انواع خطاهای واژگانی-معنایی بارز در ترجمه آثار ادبیات پایداری، یافته‌ها حاکی از وقوع موارد زیر بوده است: کاربرد صورت نادرستی از واژه‌ها؛ انتخاب برابرنهادهایی با معنای کاملاً دویپلو و ابهام‌زا؛ انتخاب غلط هماینها؛ انتخاب نادرست اصطلاحات؛ انتخاب برابرنهادهای نادرست برای واژه‌ها (اعم از عام و فرهنگ‌محور)؛ و الحاق نابجای واژه‌های اضافی و نامرتب.

درباره توزیع کمی خطاهای واژگانی-معنایی بارز، در حالی که هیچ نمونه‌ای از خطاهای حذف (در سطح واژه‌های اصلی یا کمکی یا در سطح جمله) در پیکره پژوهش رصد نشد، یافته‌های تحقیق حاکی از آن بود که کمترین خطاها (کمتر از ۵٪) مربوط به الحاق نابجای واژه‌های اضافی و نامرتب و انتخاب برابرنهادهایی با معنای کاملاً دویپلو و ابهام‌زا بوده است. همچنین، طبق یافته‌ها، در مجموع یک سوم (۳۳،۳۳٪) از خطاها مربوط به انتخاب غلط اصطلاحات و کاربرد صورت نادرستی از واژه‌ها است. نهایتاً، از نتایج پژوهش چنین مشخص گردید که بیش از نیمی از کل خطاها (۵۷،۲۰٪) به سبب انتخاب همایندهای غلط و برگزیدن برابرنهادهای نادرست برای واژه‌های عام و فرهنگ‌محور رخ داده است.

درخصوص پرسش سوم پیرامون راه‌کارهای پیشگیری از وقوع خطاهای بارز واژگانی-معنایی در ترجمه آثار ادبیات پایداری می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: رجوع به فرهنگ‌های تخصصی ادبیات پایداری و نیز فرهنگ‌هایی که حاوی واژگان فرهنگ‌محور بوده و برابرنهادهای دقیقی برای این دست از واژه‌ها ارائه داده‌اند. به کارگیری فرهنگ‌هایی که در خصوص گزینش واژگان هم‌نشین و همایندهای دقیق طی چند دهه اخیر منتشر شده‌اند نیز به کاهش خطاهای بارز معنایی-واژگانی کمک شایانی خواهد کرد.

از آنجا که بیشترین درصد خطاهای بارز واژگانی-معنایی ریشه در گزینش برابرندهای نادرست برای واژه‌ها عام و فرهنگ‌محور داشته است، لذا مترجمان آتی آثار حوزه ادبیات پایداری ضروری است مطالعات خود را در زمینه آشنایی با واژه‌های تخصصی فرهنگی عمق بخشیده و با مراجعه به فرهنگ‌های تخصصی معادل‌های دقیق برگزینند. در مواردی که برابرندهای دقیق در قالب واژه‌های محدود در متن اصلی قابلیت تبیین ندارد، مترجمان لازم است از ظرفیت بالای راهبردهای دیگر، همچون کاربرد نکات الحاقی و شفاف‌ساز در کنار برابرندهای توصیفی بهره ببرند.

محدودیت اصلی مطالعه حاضر، پیکره محدود آن است که البته تا زمان انجام پژوهش، تنها پیکره قابل استفاده برای تحقیق بود. پژوهشگران آتی می‌توانند بر روی ترجمه انگلیسی رمان‌ها و داستان‌های کوتاه فارسی در حوزه ادبیات پایداری تمرکز کرده و ارزیابی کیفی مبسوطی از آثار مذکور ارائه دهند. از دیگر زمینه‌های پژوهشی مرتبط، و البته بکر، می‌توان به حوزه ترجمه دیداری شنیداری آثار تولید شده در ادبیات پایداری اشاره کرد.

#### منابع:

- آقانوری، ن. و غلامحسین‌زاده، غ. (۱۳۹۵). تحلیل آماری-رویکردی پژوهش‌های حوزه ادبیات پایداری از آغاز تا پایان سال ۱۳۹۰. نشریه ادبیات پایداری، ۸(۱۵)، ۱-۲۹.
- افروز، م. (۱۴۰۱). بررسی ترجمه عناوین کتاب‌های ادبیات پایداری (از فارسی به انگلیسی): گامی در راستای ارتقاء الگوهای کنونی. نشریه ادبیات پایداری، ۱۴(۲۶)، ۲۸-۵۰.
- روانستان، ع. م. امیری خراسانی، ا. بصیری، م. ص. (۱۳۹۸). بررسی ویژگی‌های ساختاری و محتوایی در نامه‌های آزادگان جنگ تحمیلی. نشریه ادبیات پایداری، ۱۱(۲۰)، ۶۹-۹۶.
- عرفانی بیضایی، م. ج. و اکبری، ح. ر. (۱۳۹۵). تحلیل و بررسی رمان «از به» رضامیرخانی بر اساس الگوی کنشگرای گرماس. نشریه ادبیات پایداری، ۸(۱۴)، ۱۴۹-۱۷۰.
- فیروزی، ح.؛ اسماعیل‌پور مطلق، ا.؛ وفایی، ع. (۱۳۹۸). تحلیل نمادهای شعر پایداری در اشعار احمد شاملو بر پایه نقد اسطوره‌شناختی. نشریه ادبیات پایداری، ۱۱(۲۰)، ۱۲۵-۱۵۴.
- قاضی‌زاده، آ. شریفی‌فر، م. و رستمی‌نسب، ع. (۱۳۹۶). هنجارهای ترجمه: بررسی چگونگی بازتاب حماسه دفاع مقدس در آئینه اخبار. نشریه ادبیات پایداری، ۹(۱۶)، ۲۰۷-۲۳۶.
- کافی، غ. (۱۴۰۰). پیشنهادی برای رج‌بندی گروه-مؤلفه‌های ادبیات پایداری. نشریه ادبیات پایداری،

محمدیان، ع. و ششتمدی، ع. (۱۳۹۶). بررسی عنوان کتاب‌های ادبیات دفاع مقدس تا سال ۱۳۸۱ با استفاده از روش تحلیل محتوا. نشریه ادبیات پایداری، ۹(۱۷)، ۲۹۵-۳۲۸.

Afrouz, M., & Mollanazar, H. (2016). Rendering the Islamic concepts of the Holy Qur'an: Towards a more comprehensive model. *Iranian Journal of Translation Studies*, 13(52), 61-76.

Afrouz, M. (2024a). Qur'anic temporospatial allusive references in English translations: On the basis of Leppihalme's taxonomy. *Kervan - International Journal of Afro-Asiatic Studies*, 28, 203-220.

Afrouz, M. (2024b). Exploring normal vs. service translators' orientation in rendering realia in the Holy Qur'an. *Forum*, 22(1), 1-25.

Corder, S. P. (1967). The significance of learner's errors. *IRAL*, 5(4), 161-170.

Gass, S., & Selinker, L. (1994). *Second language acquisition: An introductory course*. Erlbaum.

Ghasemi, H., & Hashemian, M. (2016). A comparative study of Google Translate translations: An error analysis of English-to-Persian and Persian-to-English translations. *English Language Teaching*, 9(3), 13-17.

House, J. (2015). *Translation quality assessment: Past and present*. Routledge.

Keshavarz, M. H. (1999). *Contrastive analysis and error analysis*. Rahnama Publication.

Laksana, N., & Mursita Putri, S. A. S. (2018). An error types analysis on YouTube Indonesian-English auto-translation in Kok Bisa? Channel. *Journal of Language and Literature*, 18(1), 76-81.

Parvizi, G., Shafipour, M., & Mashayekh, J. (2016). An examination of the errors committed by Iranian M.A. students in their translation of advertisement slogans based on Keshavarz's taxonomy of errors. *Cross-Cultural Communication*, 12(12), 1-13.

Vilar, D., Xu, J., D'Haro, L. & Ney, H. (2006). Error analysis of statistical machine translation output. Proceedings of the fifth international conference on language resources and evaluation (LREC'06). European Language Resources Association. Genoa, Italy. May 2006.

Yin, L. (2009). On the translation of English movie titles. *Asian Social Sciences*, 5(3), 171-173.